

## ضوابط رعایت مصلحت کودک در نظام تربیتی اسلام

علی زارع قراملکی<sup>۱</sup>

### چکیده

رعایت مصلحت کودک فارغ از ابعاد فقهی و حقوقی، نقش ویژه‌ای در نظام تربیتی اسلام داشته و به‌عنوان یک اصل اساسی شناخته می‌شود. با وجود ابهاماتی که پیرامون مفهوم مصلحت وجود دارد، تعریف و تنظیم ضوابط دقیق برای رعایت آن ضروری است تا از ادعاهای بی‌پایه و سلیقه‌ای جلوگیری شود. هرچند ضوابط متعددی در این زمینه ارائه شده‌است؛ اما عدم توجه به کارکردهای مختلف مصلحت کودک باعث ایجاد ابهام و نقص در جامعیت این ضوابط گردیده‌است. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تلاش کرده‌است تا به رفع این نقیصه بپردازد.

از آنجا که رعایت مصلحت کودک توسط ولی یا سرپرستان او عمدتاً در حیطه‌ی اجرا مطرح است، می‌توان برای مصلحت، دو کارکرد متفاوت را در نظر گرفت: یکی به‌عنوان «اجرای مصلحت به‌مثابه قید متعلق حکم» و دیگری به‌عنوان «مصلحت اجرا به‌مثابه رافع تراحمات». در زمینه‌ی اجرای مصلحت، ضوابط پایه به‌عنوان اصول و ضوابط محتوایی به‌عنوان معیارهای لازم برای مسائل مربوط به کودک مطرح شده‌است که خود به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند: «ضوابط مربوط به مصالح خود کودک» و «ضوابط مربوط به عوامل مؤثر بر مصالح کودک». در مقابل، در حوزه‌ی مصلحت اجرا، «قاعده‌ی اهم و مهم» به‌عنوان اصلی‌ترین معیار در رفع تراحمات شناخته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مصلحت، ضوابط مصلحت، رعایت مصلحت، کودک، مصلحت کودک، نظام تربیتی اسلام.

۱. طلبه‌ی سطح چهار رشته‌ی فقه تربیت و پژوهشگر در حوزه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ \* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۳



## مقدمه

لزوم مصلحت‌سنجی و رعایت آن، از چنان جایگاه ویژه‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان برخوردار است که نادیده‌انگاشتن آن امری بس دشوار خواهد بود. در این میان، در بیان حقوق کودک، رعایت مصلحت او اصلی است که ادله‌ی شرعی و قوانین بسیاری بر آن تأکید داشتند؛ به‌عنوان نمونه، مطابق نظر مفسران در آیه‌ی شریفه «وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (انعام، آیه‌ی ۱۵۲؛ اسراء، آیه‌ی ۳۴) رعایت مصلحت در اداره‌ی امور مالی یتیم لازم است. همچنین در مواد ۳۶، ۴۰ و ۴۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و مواد ۱۴، ۲۳ و ۳۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، رعایت مصلحت پیش‌فرض ماده‌ی قانونی قرار گرفته‌است.

می‌توان گفت رعایت مصلحت کودک، علاوه بر ابعاد فقهی و حقوقی که به سرپرستی و حضانت او ارتباط دارد، از بُعد تربیتی نیز حائز اهمیت است. به بیان دیگر، مصلحت تنها در چهارچوب تکالیف شرعی و قوانین حقوقی که عموماً الزام‌آور هستند، معنا پیدا نمی‌کند؛ بلکه در زمینه‌ی تربیت نیز هریک از والدین، فراتر از وظایف خود، با توجه به ارزش‌های اخلاقی و احساسات عاطفی، به‌دنبال تأمین بهترین شرایط برای رشد و تربیت کودک خویش هستند.

از این جهت، چگونگی رعایت مصلحت کودک به‌عنوان پرسشی کلیدی در نظام تربیتی اسلام مطرح می‌شود؛ چراکه تشخیص و حفظ مصلحت کودک از اصول راهبردی نظام تربیتی اسلام به‌شمار می‌آید؛ اما چالش اصلی جایی آغاز می‌شود که از یک طرف تعریف ثابت و شفاف از مفهوم مصلحت وجود ندارد و از سوی دیگر، گستردگی تفاسیر مختلف باعث ابهام در درک معنا و مصادیق آن شده‌است. همین ابهام زمینه را برای ادعاهای مختلف از سوی افراد درباره‌ی رعایت مصلحت فراهم می‌کند. بنابراین، تعیین معیارها و ضوابط مشخص، برای رعایت مصلحت، به‌ویژه در ارتباط با کودکان، امری ضروری است.

در گفتمان اسلامی، مفهوم مصلحت سه ساحت اصلی را شامل می‌شود: استنباط احکام شرعی، تقنین قوانین و اجرای احکام و قوانین. (محمدی جورکویه و زارع



قراملکی، ۱۴۰۳، ص ۸۲) بحث رعایت مصلحت کودک تنها به بُعد اجرای مصلحت متمرکز دارد که خود می‌تواند دارای سه کارکرد متمایز باشد. علی‌رغم تحقیقات موجود درباره‌ی مصلحت، به‌ویژه در زمینه‌ی کودک، تحلیل دقیقی از این کارکردها ارائه نشده‌است. همین موضوع منجر به بروز اشتباهاتی در تدوین معیارهای رعایت مصلحت گردیده‌است. با این فرض که هریک از این کارکردها از دیگری قابل تفکیک است، منطقی است که هریک از کارکردها ضوابط ویژه‌ای داشته باشند. بدین ترتیب، موضوع اصلی این مقاله بررسی ضوابط رعایت مصلحت کودک در سرپرستی و تربیت وی خواهد بود.

سؤالات اساسی که این مقاله به‌دنبال پاسخ به آنها است شامل موارد زیر است:

تعریف دقیق مفهوم مصلحت چیست؟

کارکردهای رعایت مصلحت کودک کدام‌اند؟

چه ضوابطی برای هریک از این کارکردها قابل تعریف است؟

بر این اساس، مقاله‌ی نخست به ارائه‌ی توضیحاتی مختصر درباره‌ی مفهوم مصلحت می‌پردازد و سپس با تمرکز بر کارکردهای مختلف رعایت مصلحت در مرحله‌ی اجرا، تلاش می‌کند ضوابط مربوط به هریک از این کارکردها را با روشی توصیفی - تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار دهد.

## پیشینه

پژوهش‌های متعددی پیرامون مسئله‌ی مصلحت انجام شده‌است که بسیاری از آنها به بررسی جایگاه و پیامدهای رعایت مصلحت پرداخته‌اند. با این حال، تحقیقات محدودی به‌صورت اختصاصی به ضوابط مصلحت کودک پرداخته‌اند. از جمله مقالات برجسته در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک» نوشته‌ی محمدباقر پارساپور و سوسن نوربخش (۱۳۹۴): در این مقاله، معیارهای مصلحت در دو تقسیم معیارهای حاکم بر تحدید مفهوم و معیارهای حاکم بر تعیین مصداق بررسی شده‌است؛ در معیارهای حاکم بر تحدید مفهوم، نسبت مصلحت



با مفاهیمی چون منفعت و ضرورت، تبیین شده‌است. در برابر، معیارهای حاکم بر تعیین مصداق به دو دسته‌ی معیارهای شکلی و ماهوی تقسیم شده‌است: محوریت با شریعت و ترجیح اهم بر مهم جزو معیارهای شکلی و رعایت سن و سال، جنسیت، مراقبت روحی و عاطفی، مراقبت جسمی، همراهی کودک با والدین، رعایت نظرات و دیدگاه‌های کودک، حق آموزش کودک و حالت آسیب‌پذیری او به‌عنوان معیارهای ماهوی ارزیابی مصلحت کودک شمرده شده‌است.

۲. «جایگاه و معیار مصلحت در اشتغال اطفال» نوشته‌ی حسین جاور و فاطمه منظمی (۱۳۹۸): در این مقاله با تمرکز بر موضوع اشتغال اطفال، مصالح کودک به اقسام روحی - روانی، جسمانی و مالی تقسیم شده و در بیان معیار مصلحت در اشتغال اطفال به دو ضابطه‌ی سلبی یا ایجابی بودن به‌معنای جلب منفعت یا دفع مفسده و شخصی یا نوعی بودن مصلحت اشاره شده‌است.

۳. «واکاوی معیار حاکم بر مصلحت کودک تحت حضانت در حقوق ایران، مصر و فقه مذاهب اسلامی» نوشته‌ی صالح یمرلی و فیروز منصوری (۱۴۰۰): در این مقاله، از سه جهت به معیارهای مصلحت اشاره شده‌است: در ضوابط عام به معیارهایی چون مصلحت عدم‌مخالفت با قرآن و سنت، معقول بودن، در راستای حفظ امور ضروری، حقیقی بودن و عدم‌زوال مصلحت اهم یا مساوی اشاره شده‌است. نسبت مصلحت کودک به خصوصیات آن از قبیل شخصی و ذاتی، نسبی و تغییرپذیر بودن و نیز انعطاف‌پذیر بودن اشاره شده‌است. در نهایت، در معیارهای تشخیص مصلحت کودک توسط دادگاه، رعایت مصالح روحی - روانی، صحت و سلامت و انتخاب خود کودک لازم دانسته شده‌است.

با این وجود، در هیچ‌یک از این مقالات، تحلیل جامعی از موضوع ضوابط مصلحت کودک ارائه نشده‌است. همچنین، ضوابط مرتبط با کارکردهای گوناگون رعایت مصلحت کودک به‌طور شفاف بیان نشده و همین امر موجب تداخل میان ضوابط مختلف شده‌است. از این رو، در این مقاله تلاش خواهیم کرد با نگاهی دقیق‌تر و ناظر به کارکردهای رعایت مصلحت کودک، ضوابط رعایت مصلحت کودک در نظام تربیتی اسلام را به‌صورت جامع بررسی کنیم.



## مفهوم مصلحت

بررسی مفهوم مصلحت، نه تنها موجب شناخت معنای موضوع<sup>۱</sup> له این واژه می‌شود؛ بلکه در صدق مفهوم مصلحت، خود ضابطه‌ای برای تشخیص مصلحت است. از این رو، می‌توان ادعا کرد اولین ضابطه در تشخیص مصلحت، مفهوم مصلحت است که از آن به‌عنوان «ضابطه‌ی مفهومی» یاد می‌کنیم.

«مصلحت» از ریشه‌ی «صلح» و «صلاح» مخالف با «فساد» و «مفسده» (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۳۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۰۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۶؛ قیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۵) و با واژگانی مانند «خیر»، «حُسن» و «نفع» معنا می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۱۴۲)

از آنجا که «مفسده» به معنای خروج از اعتدال است، صلاح، بر خط اعتدال و به دور از افراط و تفریط بودن معنا خواهد داشت. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۳۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۹، ص ۹۲) بر همین اساس، صلاح را به مقتضای حکمت که عمل بر اساس شرایط و به دور از افراط و تفریط است، معرفی کرده‌اند. (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۴) بررسی رابطه‌ی واژه‌ی مصلحت با مفاهیمی چون منفعت و اضطرار نیز می‌تواند کمک شایانی در بررسی مفهوم مصلحت داشته باشد. «نفع» نقیض «ضرر» عنوان شده است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۶) و این لزوماً مستلزم جذب سود نیست؛ بلکه صرف جلوگیری از زیان، منفعت شخص را به دنبال خواهد داشت. بنابراین با توجه به موقعیت‌هایی که پیش روی انسان قرار می‌گیرد، در مواردی صرف جلوگیری از زیان و در مواردی جذب سود به مصلحت شخص خواهد بود.

به عبارت دیگر، از آنجا که انسان ذاتاً کمال‌گرا بوده و به دنبال اتخاذ بهترین تصمیم‌ها است، همین موجب می‌شود تا در موقعیت‌های مختلف زندگی، بیشترین بهره را ببرد. در برخی مواقع به دنبال جذب سود و در برخی مواقع به دنبال دفع ضرر است؛ حتی جایی می‌رسد که شرایط به حالت «اضطرار» رسیده که در این لحظه نیز، بهترین تصمیمی که مطابق شرایط اتخاذ می‌شود، عمل کردن به مقتضای مصلحت خواهد بود. در بسیاری از موارد<sup>۱</sup> در کنار یا به جای مفهوم مصلحت، مفهوم غبطه نیز به کار

۱. مانند: «وإذا بلغ الصَّبِي وقد باع الأب أو الجد فادعى أته باعة من غير حاج ولا غبطة كان القول قول الأب



گرفته می‌شود. از این رو، تبیین مفهوم غبطه می‌تواند عامل دیگری در فهم بهتر از مفهوم مصلحت باشد. غبطه در لغت به معنای وضعیّت خوب (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۸۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۶۲) بوده و این‌که گفته می‌شود شخصی نسبت به دیگری غبطه خورد، به این معنا است که آرزوی داشتن وضعیّت خوب او را دارد، بی‌آن‌که بخواهد آن وضعیّت برای شخص مغبون از بین برود که این حالتی غیر از حالت حسادت است که شخص زوال وضعیّت خوب از طرف مقابل را می‌کند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۵۹)

سید مرتضی در توضیح اصطلاح غبطه چنین بیان می‌کند: «شخص آرزوی اتفاقی که می‌خواهد برای او روی دهد، کند؛ مانند اعمال یا منافع دیگران». (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۷۸) بر این اساس، غبطه نشان‌دهنده وضعیّت مطلوب و حالتی است که دیگران آرزوی رسیدن به آن را دارند. بنابراین، مصلحت به معنای منفعتی است که وضعیّت شایسته و حال خوب را به همراه می‌آورد. با این حال، با توجه به کاربرد واژه غبطه در متون فقهی، می‌توان دریافت که این واژه عمدتاً در زمینه‌ی معاملات به کار رفته است، در حالی که مصلحت و صلاح، کاربرد گسترده‌تر و جامع‌تری داشته است و شامل معاملات و غیرمعاملات می‌شود. (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۴۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۴، ص ۱۸۹)

از این رو می‌توان گفت که استفاده از واژه‌ی غبطه در نظام تربیتی مناسب نیست؛ زیرا این واژه بیشتر به موضوعات حقوقی و مالی مرتبط بوده است و کاربرد کمتری در این حوزه دارد. بنابراین، واژه‌ی مصلحت تعبیر مناسب‌تری برای مباحث تربیتی به نظر می‌رسد.

آنچه گذشت، بیان مفهوم لغوی مصلحت بود. در برابر، مصلحت در اصطلاح، چیزی غیر از معنای لغوی نبوده است و به «هرگونه امر همراه منفعت یا دفع ضرر به حسب شرایط موجود» شناخته می‌شود. (محمّدی جورکویه و زارع قراملکی، ۱۴۰۳،

---

أوالجد وإن كان وصياً أو أميناً كان القول قول الصبي ووجب على الوصي أو الأمين البينة. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۲: ۱۶۳) و ماده ۴۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: مرجع قضائی می‌تواند با در نظر گرفتن غبطه و مصلحت طفل یا نوجوان، انجام اقداماتی از قبیل ارزیابی و تحقیقات مقدماتی درباره‌ی وضعیّت جسمی، روحی و روانی وی یا والدین، اولیا و یا سرپرستان قانونی او، وضع خانوادگی و محیط سکونت، اشتغال و تحصیل را به مددکاران اجتماعی بهیستی محوّل کند.



ص ۸۲). بر همین اساس، مصلحت کودک بدین شرح تعریف می‌شود: «تأمین منافع عینی و بلندمدت کودک در ابعاد مختلف جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی و ...، براساس معیارهای شرعی، علمی و حقوقی، با اولویت‌دهی به نیازها و حقوق خود کودک». این تعریف با رویکردی عینی‌تر، آینده‌نگر و کودک‌محور ارائه شده است؛ زیرا به معیارهای شرعی، علمی و حقوقی استناد می‌کند، منافع بلندمدت را مدنظر قرار می‌دهد و نیازها و خواسته‌های کودک را ملاک قرار می‌دهد.

بررسی معنای موضوع<sup>۱</sup> به تنهایی موجب ابهام‌زدایی از مفهوم مصلحت نمی‌شود؛ زیرا گاه اختلاف در مصداق‌های مصلحت ناشی از اختلاف در مبانی نظری است که تفاوت در مفاهیم و نیز مصداق‌های ذیل مفاهیم را به دنبال دارد. از این رو غیر از موضوع<sup>۲</sup> مصلحت، مبانی نظری اشخاص نیز در صدق مفهوم مصلحت مؤثر خواهد بود؛ بر این اساس، اتخاذ مبانی صحیح، گام دیگری در صدق مصادیق مصلحت است؛ چراکه مصلحت کسی که در مبانی هستی‌شناسانه، هستی را صرفاً مادی می‌بیند با مصلحت کسی که هستی را توأمان از امور مادی و معنوی می‌داند، متفاوت است؛ (ایزدی، ۱۳۹۲، صص ۳۳-۳۲) کما این‌که در مبانی انسان‌شناسانه، این‌که نفس انسان محور عالم باشد یا انسان متأله در تأمین نوع منافع انسان تأثیرگذار است. (پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴، صص ۶-۵)

## کارکردهای رعایت مصلحت کودک

از آنجا که والدین و سرپرستان کودک در مقام عمل به دنبال آن هستند تا مطابق مصالح کودک عمل نمایند، رعایت مصلحت در سرپرستی و تربیت کودک مربوط به ساحت اجرا می‌شود؛ از این رو، برای تبیین بهتر ضوابط، تحلیل درست از این ساحت و کارکردهای متفاوت مصلحت در ساحت اجرا امری ضروری است. در ساحت اجرا دو رویکرد نسبت به مصلحت وجود دارد: ۱. اجرای مصلحت؛ ۲. مصلحت اجرا. منظور از اجرای مصلحت، این است که مصلحت به مثابه «قید متعلق حکم» باشد؛ این‌که در شرع یا قانون، امر به تأمین مصالح در امور مختلف کودک توسط ولی و سرپرست او می‌شود، از این سنخ می‌باشد؛ چراکه در این فرض، رعایت مصلحت،



بخشی از مفاد حکمی است که شرع یا قانون بدان امر کرده‌اند. در این فرض، شارع یا قانون‌گذار، تشخیص مصلحت و اجرای آن را برعهده‌ی سرپرست کودک نهاده‌است؛ اما این به معنای آزادی مطلق در تشخیص نیست؛ بلکه بایستی مطابق ضوابطی، مصالح کودک تأمین شود.

در برابر مصلحت اجرا، پیدایش شرایطی است که به‌طور خاص در زمان عمل و اجرا صورت می‌گیرد. وضعیت پیش‌آمده از دو حالت خارج نیست: ۱. تغییر شرایط به‌صورتی است که حکم و قانون اولیّه قابلیت اجرا ندارد؛ ۲. تغییر شرایط به‌گونه‌ای است که اجرای دو دستور هم‌زمان امکان‌پذیر نمی‌باشد. از وضعیت اول به مصلحت به‌مثابه «عنوان ثانوی» و از وضعیت دوم به «رافع تراحمات» یاد می‌شود. (محمدی جوریکیه، علی و زارع قواملکی، ۱۴۰۳، ص ۹۳)

مطابق موضوع پژوهش، ضوابط رعایت مصلحت در سرپرستی و تربیت کودک مدّ نظر است. از این رو به مواردی باید پرداخت که در آن والدین و سرپرست کودک به‌دنبال تأمین مصالح کودک می‌باشند که مربوط به فعل خود ایشان می‌شود. بر این اساس، حالت اول از رویکرد مصلحت اجرا، یعنی مصلحت به‌مثابه «عنوان ثانوی» خارج از بحث است؛ زیرا این حالت مربوط به جایی است که شارع یا قانون‌گذار با در نظر گرفتن شرایط عادی، احکام و قوانینی را وضع کرده‌است؛ لکن در مقام اجرا مواعی باعث ممانعت مکلف از عمل مطابق دستور اول می‌شود و اساساً موضوع مصلحت حکم اول منتفی می‌گردد. بر این اساس، با توجه به شرایط جدید، حکم جدیدی صادر می‌گردد.

در نتیجه، تبیین ضوابط رعایت مصلحت کودک در دو کارکرد ۱. اجرای مصلحت به‌مثابه قید متعلق حکم و ۲. مصلحت اجرا به‌مثابه رافع تراحمات به‌صورت مستقل پیگیری خواهد شد.

### ضوابط اجرای مصلحت به‌مثابه قید متعلق حکم

وانهادن تشخیص و عمل به مصلحت کودک برعهده‌ی والدین و سرپرست او، به‌عنوان قید متعلق حکم توجیهی بر امکان تشخیص مصلحت به دور از ضوابط



نیست؛ بلکه ضوابطی را به دنبال دارد.

رعایت مصلحت در تربیت کودک، فرآیندی مشتمل بر شناخت نیاز کودک، تشخیص مصالح کودک همراه با اقتضائات مربوط به عمل و اجرا است. لذا به جهت پیچیدگی امر تربیت، ضروری است تا با متخصصان امر تربیت همفکری صورت گرفته و مهارت‌هایی در این زمینه آموزش دیده شود. به همین دلیل مطابق دستورات شرع (آل‌عمران، آیه ۱۵۹؛ شوری، آیه ۳۸) مشورت را می‌توان ابزاری برای بازدهی بیشتر و کاهش خطا به‌ویژه در تربیت کودک عنوان کرد نه ضابطه‌ای برای تأمین مصالح او. (بیگدلی و فرج‌پور، ۱۳۹۲، ص ۹۲-۹۱)

ضوابط اجرای مصلحت کودک به دو دسته ضوابط پایه و محتوایی تقسیم می‌شود. ضوابط پایه ضوابطی هستند که به جهت مبانی و غیرقابل تغییر بودن به حسب مقتضیات زمان و مکان اهمیت ویژه‌ای دارند. لذا از آن‌ها با عنوان ضوابط پایه یاد می‌شود. در برابر، ضوابط محتوایی، ضوابطی هستند که مرتبط با موضوع مصلحت یعنی کودک هستند که مرتبط با متغیرهای اثرگذار در تشخیص مصلحت کودک می‌باشند.

### ضوابط پایه

به جهت این‌که ضوابط پایه، ریشه‌هایی هستند که تأمین مصالح کودک بر آنها استوار بوده و عدم رعایت این ضوابط به معنای منتفی شدن مصلحت خواهد بود، از ضوابط پایه به اصول تعبیر می‌کنیم که عبارت هستند از:

۱. اصل محوریت شریعت: نخستین اصل در تشخیص مصلحت، محوریت با شریعت و مصالح شرعی است؛ (عزیزی و فلاح زاده، ۱۴۰۰، صص ۹۵-۹۴) زیرا اساساً مصلحت زاییده‌ی شریعت بوده و در راستای تأمین اهداف انسان و جامعه‌ی انسانی است؛ به عبارت دیگر، مطابق با دیدگاه موجود در فلسفه‌ی احکام، دستورات شرع بر ملاک رعایت مصالح و مفاسد واقعی، جعل شده‌اند. از این رو، انجام دستورات الهی همان اجرای مصالح خواهد بود. (ابزدهی، ۱۳۹۲، ص ۳۹)<sup>۱</sup>

۱. درخصوص محوریت شریعت، دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه حذافلی که عدم مخالفت با شریعت را کافی می‌داند و



ناگفته نماند، مقصود از شرع در اینجا صرف احکام و دستورهای الهی نیست؛ بلکه لحاظ تمام جوانب دین اعم از هدف‌ها و غایت‌ها و معارف دینی است. (همان، ص ۳۹)

بنابراین، این‌که والدین در تربیت فرزند خود مطابق اصول و روش‌های تربیت اسلامی عمل نمایند، اولین گام اجرای مصلحت کودک خواهد بود. در نتیجه، عمل به اصول و روش‌های تربیتی مکاتب دیگر اجرای خلاف مصلحت کودک است. از آنجا که اصول دیگر مورد تأیید دین هستند؛ اما به دلیل اتخاذ این اصول از عقل و فطرت در عرض با این اصل بیان می‌شوند.

۲. اصل ابتنا بر عقلانیت: ابتنا بر عقلانیت یعنی ابتنا بر عقل سلیم و عقل معاشی که عقلاً در امور خود به کار می‌برند؛ به شرط این‌که در فضای دین رشد کرده باشند. (میرزایی و رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۴) ذیل این اصل، همه‌جانبه‌نگری، دوراندیشی و غایت‌مداری نیز به‌عنوان مؤلفه‌های عقلانیت مطرح هستند. (ایزدهی، ۱۳۹۲، صص ۴۸-۴۷)

۳. اصل حق‌مداری: حق در لغت نقیض باطل (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۴۱؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۶۰) و به‌معنای استحکام شیء و صحت آن است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵) در تحلیل دقیق‌تر از اصل معنایی حق، حق به‌معنای ثبوت به همراه مطابقت با واقعیت خواهد بود. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۰۶)

در به‌کارگیری واژه‌ی حق، دو معنا متصور است: ۱. معنای لغوی مطابق با واقع؛ ۲. اصطلاحی که حق را به امور اعتباری مطرح در علم حقوق مانند: حقوق کودک، حقوق زن و ... معنا می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۴) بنابراین، اصل حق‌مداری به‌معنای نخست، رعایت مقتضای حقیقت و واقعیت بوده و به‌معنای دوم، رعایت همین حقوق اعتباری است. در نتیجه، در تأمین مصلحت کودک، هر دو معنا لازم‌الاتباع هستند؛ مانند: حق اختیار کودک مطابق معنای اول و رعایت حق آموزش کودک مطابق معنای دوم.

۴. اصل عدالت‌محوری: با توجه به ذاتی بودن حسن عدل و قبح ظلم، رعایت عدالت، اصل دیگری در تشخیص مصلحت کودک خواهد بود. (میرزایی و رضایی،



۱۳۹۹، ص ۱۵۸) علی‌رغم کاربرد واژه‌ی عدل دو معنای متضاد، مقصود ما از عدالت در اینجا دلالت بر استوا (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۴۶) و مقتضای مساوات است (زاغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۵۱) که در واقع به معنای میانه و به دور از افراط و تفریط است. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۶۴) رعایت عدالت، نیازمند درک حدود موضوع است که گاهی با معلوم شدن حقوق کودک، دایره‌ی عمل به عدالت در مورد کودک روشن می‌شود.

۵. اصول برپایه‌ی انسان‌شناسی: از آنجا که به دنبال اجرای مصلحت کودک هستیم، انسان‌شناسی صحیح به عنوان شناخت موضوع مصلحت باعث کشف دقیق‌تر مصالح و مفاسد مربوط به کودک می‌شود. (پیوندی، غلامرضا و زارع قراملکی، ۱۴۰۲) معارفی از قبیل این‌که انسان از دو بُعد مادی و معنوی تشکیل شده است و حیات او به این دنیا ختم نشده است و در سرایی دیگر ادامه‌ی حیات می‌دهد، در تشخیص مصالح کودک تأثیرگذار هستند؛ بنابراین ناظر به اصل مطابقت با شرع، داشتن انسان‌شناسی و حیانی از دیدگاه اسلام، از امور لازم برای والدین در تربیت کودک‌شان می‌باشد.

۶. اصل کرامت انسانی: از ویژگی‌های فطری انسان، حفظ شوون و حقوق وی و عدم حقارت او است؛ به عبارت دیگر، مدنظر قرارداد شوون انسانی وی در ضمیر او نهاده شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، صص ۷۸-۷۶)

کرامت انسانی تنها به ساحت فردی او اختصاص نداشته است و نسبت به ساحت اجتماعی وی اعم از کرامت اجتماعی و جامعه‌ای نیز مربوط می‌شود. کرامت فردی انسانی می‌تواند شامل مواردی چون عزت نفس، استقلال و اختیار، افتخار ملی و استقلال نظام در قالب کرامت اجتماعی باشد. (میرزایی و رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۸) از آنجا که اقدامات والدین بیشتر بر کرامت فردی کودک‌شان تأثیرگذار است، اهتمام ویژه‌ی والدین به حفظ عزت نفس، استقلال و اختیار کودک از مسائل مهمی در تربیت به‌شمار می‌رود که زمینه‌ساز شخصیت و حریت او است.



## ضوابط محتوایی

از آنجا که موضوع اجرای مصلحت، تأمین مصلح کودک است؛ تشخیص مصلح مربوط به کودک از دو منظر قابل بررسی است: ۱. نفس مصلح کودک؛ ۲. عوامل مؤثر در مصلح کودک.

۱. **نفس مصلح کودک:** این که مصلح کودک چیست، وابسته به آگاهی بیشتر نسبت به خود کودک است. لذا هر مقدار موضوع کودک از ابعاد متفاوت مورد بررسی قرار گیرد، مصلحت آن نیز بهتر تشخیص داده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، عواملی چون احتیاجات، ظرفیت‌ها و استعدادهای کودک، اقتضانات سن و سال او، تفاوت جنسیت و حقوق و شؤون اجتماعی کودک از مواردی هستند که در شناخت بهتر مصلحت کودک مؤثر هستند. (ر.ک: پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴، ص ۲۴-۱۱) به‌عنوان نمونه، رعایت مصلحت کودک توسط والدین و مربیان با توجه به هریک از عوامل فوق از قرار زیر می‌باشد:

**احتیاجات کودک:** تأمین تغذیه‌ی سالم برای رشد و نمو بهتر کودک و مراجعه به پزشک و معاینات دوره‌ای برای تأمین احتیاجات جسمی؛ اختصاص زمان روزانه برای بازی و گفت‌وگو با کودک برای تأمین احتیاجات عاطفی کودک.

**ظرفیت‌ها و استعدادهای کودک:** توجه به نوع استعدادهای شخصی کودک مانند داشتن استعداد هنری یا ورزشی در کودک و نیز توجه به استعداد کودک در افزایش یا کاهش حجم مطالب آموزشی.

**اقتضانات سن و سال کودک:** استفاده از بازی برای آموزش مفاهیم پایه و پرهیز از انتظارات تحصیلی سنگین در سنین پایین ۷ سال به جهت فقدان رشد ذهنی لازم در عموم کودکان در طول این سنین.

**تفاوت جنسیت کودک:** آموزش مراقبت از بدن و حریم خصوصی دختران و پسران با توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیک، توجه به اقتضانات و تناسبات جنسیتی کودکان در انتخاب بازی‌ها و اسباب‌بازی‌های کودک.

**حقوق و شؤون اجتماعی کودک:** حق انتخاب نام نیک برای کودک، حق داشتن شناسنامه و تابعیت برای جلوگیری از محرومیت‌های حقوقی، فراهم‌سازی محیط



بازی امن و جلوگیری از به‌کارگیری کودکان در مشاغل سخت و خطرناک.

ناگفته نماند، تشخیص نفس مصلح کودک به دو معیار شخصی و نوعی قابل تقسیم است. مراد از معیار شخصی، معیارهایی است که تمام توجه نسبت به همان کودک مورد تربیت است. لذا تمام ویژگی‌های مثبت و منفی شخصی او لحاظ می‌گردد. در برابر، منظور از معیار نوعی، توجه به خصوصیات مشترک میان کودکان است. خصوصیات عامی که می‌توان نسبت به هر کودک دیگر آن را در نظر گرفت. (جاور و منظمی، ۱۳۹۸، ص ۹۶-۹۵)

از آنجا که موضوع گفتار ما رعایت مصلحت در تربیت کودک است، به جهت تفاوت‌های هر کودکی نسبت به کودک دیگر بهترین ضابطه، معیار شخصی و توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات کودک مورد نظر است؛ چراکه امکان دارد مصلحت کودکی با کودک دیگر متمایز باشد. بنابراین، بهتر است نسخه‌ی واحدی برای تمامی کودکان نوشته نشود؛ هرچند لحاظ عموم کودکان و خصوصیات مشترک ایشان در تدوین قوانین و حقوق کودکان امری اجتناب‌ناپذیر است.

تفاوت‌های فردی کودکان می‌تواند در جنبه‌های مختلف زندگی نمود پیدا کند و تعیین مصلحت برای هر کودک در هر یک از این زمینه‌ها ممکن است متفاوت باشد: تفاوت‌های شناختی: به‌عنوان مثال، کودکی که با اختلالات یادگیری روبه‌رو است، نیاز دارد تا از برنامه‌های آموزشی متناسب و ابزار کمک‌آموزشی ویژه‌ای استفاده کند.

تفاوت‌های عاطفی و اجتماعی: برخی کودکان ممکن است شخصیت درون‌گرا یا برون‌گرا داشته باشند. در این صورت، ضرورت دارد محیطی متناسب با روحیات آنها فراهم شود و برای تقویت مهارت‌های اجتماعی‌شان اقداماتی انجام گیرد. همچنین، کودکانی که دچار اضطراب جدایی یا اختلالات رفتاری هستند، به محیط‌هایی امن و با پیش‌بینی‌پذیری مناسب نیاز دارند.

تفاوت‌های جسمی و سلامتی: برخی کودکان ممکن است از لحاظ سلامت دارای معلولیت‌های جسمی یا مبتلا به بیماری‌های مزمن باشند. در چنین شرایطی لازم است محیط فیزیکی با نیازهای آنها مطابقت داشته باشد. همچنین، در مواردی



که تفاوت در الگوی رشد و بلوغ مشاهده می‌شود، نظارت پزشکی ضروری است. تفاوت‌های خانوادگی و فرهنگی: خانواده‌ها و فرهنگ‌های گوناگون ممکن است آداب و رسوم منحصر به فردی داشته باشند و احترام به این آداب یکی از عناصر مهم تربیتی به‌شمار می‌آید.

تفاوت‌های استعدادی: کودکان دارای استعداد‌های متنوعی در حوزه‌های علمی، ورزشی یا هنری هستند. کشف استعداد‌های آنها و فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای شکوفایی فردی امری ضروری است.

بر این اساس، در مواجهه با تفاوت‌های فردی کودکان، چهار اصل کلیدی باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. انعطاف‌پذیری: پرهیز از استفاده از نسخه‌های یکسان برای همه‌ی کودکان؛
۲. مشارکت کودک: لحاظ کردن نظر و خواست کودک در تصمیم‌گیری‌ها؛
۳. توجه به زمینه: بررسی عوامل مرتبط با خانواده، فرهنگ و محیط اجتماعی کودک؛
۴. ارزیابی مستمر: بازنگری مداوم تصمیمات با توجه به تغییرات پیش‌آمده در طول زمان.

۲. عوامل مؤثر در مصالح کودک: عوامل مختلفی خارج از موضوع کودک می‌توانند مانع از تحقق مصلحت او شوند؛ اما برای تشخیص مصلحت نهایی ضروری است که در نظر گرفته شوند و بررسی گردند. مهم‌ترین متغیر اثرگذار در این زمینه، عنصر زمان و مکان است؛ به طوری که با تغییر زمان و مکان، مصالح کودک نیز می‌تواند تغییر کند. (میرزایی و رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۴)

عنصر زمان و مکان در حوزه‌های مختلفی اثرگذار است؛<sup>۱</sup> اما آنچه برای تشخیص اجرای مصلحت کودک مؤثر است، تبیین تأثیر زمان و مکان در حوزه‌ی تغییر ملاک، موضوعات و کیفیت و روش اجرا است.

الف) تغییر ملاک: در جعل احکام و وضع قوانین، مصالح و مفاسد به‌عنوان

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۲۷۴-۲۸۲.



ملاک در نظر گرفته می‌شوند. حال چنانچه بر اثر زمان و مکان، تغییری در ملاک صورت گیرد، حکم نیز تغییر خواهد کرد. در نتیجه، والدین بایستی به موقت‌بودن ملاک احکام، از بین رفتن ملاک یا پدید آمدن ملاک جدید در تربیت کودک خود نظر داشته باشند. به‌عنوان مثال، در بسیاری از روایات به میزان سن اشاره شده‌است. حال چنانچه به موجب اقتضانات زمانی و مکانی، ملاکی که در سن بیان شده‌است، وجود داشته باشد و در همان سن، در عصر کنونی وجود نداشته باشد، بایستی در حکم تغییر داده شود؛ هرچند تشخیص این امر بسیار سخت و دشوار است؛ به‌عنوان نمونه، در روایتی آمده‌است که پسران‌تان را تا شش‌سالگی مهلت داده و بعد به مدت هفت سال ایشان را به آداب خود تأدیب کنید؛ اگر قبول نمایند که خیر و صلاح است؛ در غیر این صورت، ایشان را رها سازید. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، صص ۴۷-۴۶)<sup>۱</sup> حال چنانچه ملاک حکمی که نسبت به شش‌سالگی پسران در آن عصر وجود دارد، در این عصر وجود نداشته باشد، این عدد بایستی تغییر کند.

ب) **تغییر موضوعات:** صدق موضوع در تأمین مصالح بسیار مهم است. بنابراین، اگر به‌واسطه‌ی ملاک توسعه و تعمیق و یا تضییق و تخصصی در مصداق موضوعات تغییری صورت گیرد، حائز اهمیت می‌باشد. هم‌چنین زمان و مکان در تغییر، تبدیل و پیدایش مصادیق جدید نیز تأثیرگذار هستند؛ به‌عنوان مثال، در روایات مربوط به آموزش ورزش به کودکان، تنها حکم به تعلیم دو ورزش شنا و تیراندازی شده‌است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷)<sup>۲</sup> و حال آن‌که با گذر زمان می‌توان مصادیق جدیدی را یافت و حکم به داخل‌بودن چنین مصادیقی کرد.<sup>۳</sup>

۳. **تغییر کیفیت و روش اجرا:** تأثیر دیگری که زمان و مکان در موضوع می‌تواند داشته باشد، تغییر کیفیت و روش اجرا است؛ به‌عنوان مثال، اگر در تأدیب به ضرب

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَنَسِ بْنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: أَمْهَلْ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَكَ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَذِّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ.

۲. عَلِيُّ بْنُ أَنَسِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَمْرِو بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالزَّمَانَةَ.

۳. شهید صدر در تعلیقات خود بر حاشیه‌ی آیت‌الله حکیم بر کتاب «منهاج الصالحین» در زمینه‌ی جواز سه مسابقه چنین عنوان می‌کند: «الضحة محتملة فیما يستجد من أدوات الحرب والتحرك العسکری کالبنديقة والسبارة ونوهما والقول بذلک لیس بیعیدا». (حکیم، ۱۴۱۰ق، ۲: ۱۵۴) بنابراین، می‌توان همین سخن را نیز در خصوص تعلیم صرف دو ورزش به کودکان تعمیم داد.



در عصر معصوم با توجه به اقتضانات زمانی و مکانی جوابگو بود، امکان دارد این روش در عصر کنونی اثر عکس داشته باشد؛ از این رو، بایستی در کیفیت و روش تربیت تغییر ایجاد کرد.

## ضوابط مصلحت اجرا به مثابه رافع تراحمات

گاه در امور تربیتی، موقعیت‌هایی پیش می‌آید که والدین امکان جمع و تأمین همه‌ی مصالح را ندارند. مقام تراحم، مقامی است که در آن دو حکم در مقام امثال امکان جمع نداشته‌اند و به‌ناچار باید یکی از آن دو انجام شود و دیگری کنار گذاشته شود. (مظفر، ۱۳۸۷، ص ۵۴۸) حال چنانچه میان دو حکم از تمام جهات تساوی برقرار باشد و یکی بر دیگری ترجیح نداشته باشد، به‌حکم عقل عملی، انسان مخیر به انتخاب یکی از طرفین است؛ (همان، ص ۵۴۹) اما در حالت وجود ترجیح، مهم‌ترین قاعده، اجرای قاعده‌ی عقلی «اهمّ و مهمّ» است که تقدّم اهمّ باعث حل این مشکل و در نظر عقلا مقتضای مصلحت شمرده می‌شود. (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۱۶) برای انضباط این قاعده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۱. مصالح اقوی

همان‌طور که در نظر شارع، یکی از ملاک‌ها بر دیگری مقدّم بوده و ترتیب سلسله‌ی «حفظ دین، حفظ شیعه، حفظ نظام اسلامی، حفظ عزّت و استقلال، حفظ جان شیعیان و مسلمانان، حفظ ناموس، حفظ احکام شرعی و فروع دینی، حفظ مال» در ملاک احکام وجود دارد، (بیگدلی و فرج‌پور، ۱۳۹۲، ص ۹۷) سلسله مصالح اقوی در خصوص کودک را می‌توان چنین مرتب کرد: حفظ جان کودک، حفظ سلامتی کودک، حفظ دین کودک، حفظ مال کودک.

### ۲. مصالح ضروری، حرجی و تحسینی

مصالحی که از روی ضرورت کودک باشد، بر مصالحی که فقدان آنها باعث عسر و حرج است، مقدّم می‌باشد و مجموع این‌ها بر مصالح تحسینی که مصالحی



در جهت تأمین رفاه بیشتر کودک هستند، تقدّم دارند؛ به‌عنوان مثال، اشتغال کودک برای حفظ جان و زندگی خویش بر حق تحصیل او مقدم است. (پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴، ص ۱۰)

### ۳. مصلحت عام بر خاص

تقدّم امری که مصالحش عمومیت بیشتری نسبت به امر دیگر دارد؛ به‌عنوان نمونه، چنانچه کودکی دارای بیماری واگیردار باشد، مصلحت چنین ایجاب می‌کند که به جهت حفظ سلامتی دیگر کودکان از حضور کودک بیمار در جمع کودکان ممانعت صورت گیرد. (همان)

### ۴. مصلحت فاقد بدل بر دارای بدل

در صورتی که امری بدلی نداشته باشد، از اهمیت بیشتری نسبت به امری که بدلی برای آن متصور است، حکایت دارد؛ (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۳۲۹-۳۲۷؛ مظفر، ۱۳۸۷، ص ۵۵۰) به‌عنوان نمونه، از آنجا که شیر مادر برای کودک از اهمیت بالایی برخوردار است، شایسته است در مجازات مادر شیرده از راه‌های جایگزینی که موجب دوری مادر از کودک شیرخوارش نمی‌شود، بهره برد.

### ۵. مصلحت مضیق فوری بر موسع

اموری که از نظر زمانی باید در سریع‌ترین زمان ممکن انجام شوند، اهمیت بیشتری نسبت به امور دارای مدت زمان بیشتر، دارد؛ (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۲۲؛ مظفر، ۱۳۸۷، ص ۵۵۰) از نمونه‌های مصالح مضیق و فوری کودک، شیر آغوز است که جای هیچ جبرانی برای آن نیست.

### ۶. مصلحت متغیر بر ثابت

مصلحتی که متغیر است، به جهت این‌که گذرا و مدت‌دار است از مصلحتی که در زمان‌های گوناگون ثابت است، اهمیت بیشتری دارد؛ (مظفر، ۱۳۸۷،



ص ۵۵۰) مانند مصلحت بازی و کودکی کردن که تجربه‌ای خاص و ناب از زندگی است که در آن بی‌خیالی، شادی‌های ساده و کشف دنیای اطراف وجود دارد و این دوران موجب پایه‌گذاری بسیاری از خاطرات ماندگار زندگی و تجربیات لازم برای آینده می‌شود.

## چالش‌های عملی والدین و مربیان در رعایت مصلحت کودک

پس از بررسی ضوابط مربوط به رعایت مصلحت کودک، موضوعی که ممکن است جلب توجه کند، چالش‌های عملی والدین و مربیان در پیاده‌سازی این مصلحت است. در این راستا، ضمن شرح برخی از مهم‌ترین چالش‌ها، به ارائه‌ی راهکارهایی برای مواجهه با آنها نیز پرداخته خواهد شد.

### ۱. چالش‌های شناختی و اطلاعاتی

۱. عدم آگاهی از نیازهای رشدی کودک: بسیاری از والدین یا مربیان با مراحل رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک آشنا نیستند؛ به‌عنوان مثال، انتظار رفتارهای منطقی از کودک سه ساله دارند یا به نیازهای عاطفی نوجوانان بی‌توجه هستند.
۲. تفسیر نادرست از مصلحت: برخی مصلحت را صرفاً با منافع کوتاه‌مدت مثل نمره‌ی تحصیلی یا ترجیحات شخصی خود اشتباه می‌گیرند.

### ۲. چالش‌های اقتصادی

۱. فقر و محدودیت منابع: ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی (تغذیه، درمان، تحصیل باکیفیت)؛ به‌عنوان مثال، اجبار کودک به کار به جای تحصیل به دلیل فشار مالی از نمونه‌هایی است که مصلحت کودک رعایت نمی‌شود.
۲. هزینه‌های خدمات تخصصی: دسترسی نداشتن به مشاوره‌ی روان‌شناسی، کلاس‌های استعدادیابی یا مدارس مناسب.



### ۳. چالش‌های فرهنگی-اجتماعی

۱. تعارض با هنجارهای سنتی: مقاومت در برابر روش‌های تربیتی علمی به دلیل باورهای رایج. به‌عنوان مثال، اصرار بر ازدواج زودهنگام دختران و بدون آمادگی با توجیه «عرف جامعه».
۲. فشار گروه‌های مرجع: تصمیم‌گیری تحت تأثیر خواست اطرافیان مانند انتخاب رشته‌ی تحصیلی خاص اما ناهمخوان با استعداد کودک.

### ۴. چالش‌های روان‌شناختی

۱. پروژه‌سازی آرزوهای والدین: تحمیل علایق و آرزوهای برآورده‌نشده‌ی خود به کودک مانند اجبار به ورزش.
۲. استرس و فرسودگی والدین یا مربیان: رفتارهای ناسازگارانه با کودک به دلیل فشارهای روانی خود فرد.

### ۵. چالش‌های ساختاری

۱. نقص قوانین یا اجرای ضعیف: نبود سازوکارهای نظارتی برای تضمین مصلحت کودک در محیط‌های آموزشی یا خانوادگی. به‌عنوان مثال، مدرسی که به بهانه‌ی «قوانین داخلی» از پذیرش کودکان با نیازهای ویژه خودداری می‌کند.
۲. دسترسی نابرابر به امکانات: تفاوت در کیفیت خدمات آموزشی و بهداشتی بین مناطق مختلف.

### ۶. چالش‌های رفتاری

۱. تعارض بین مصالح مختلف کودک: به‌عنوان نمونه، انتخاب بین «حفظ ارتباط با والد طلاق‌گرفته» که نیاز عاطفی کودک است و «دوربودن از محیط پر تنش» که نیاز به امنیت کودک را تحت الشعاع قرار می‌دهد.
۲. عدم مشارکت کودک در تصمیم‌گیری: نادیده گرفتن نظر کودک حتی در مواردی که توانایی ابراز ترجیحات را دارد؛ مانند انتخاب لباس یا فعالیت‌های فوق‌برنامه.



در زمان مواجهه با چالش‌های فوق، راهکارهای کلیدی زیر برای غلبه بر چالش‌ها عنوان می‌شود:

۱. آموزش عمومی: آموزش موضوعات مختلف مرتبط با تربیت کودک با هدف تأمین بهترین منافع برای او اهمیت بسیاری دارد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود دوره‌های رایگان تربیت کودک برای والدین و مربیان برگزار شود. با این حال، بخشی از مشکلات موجود در این زمینه ناشی از نداشتن ثبات شخصیتی در والدین یا مربیان است که روند دستیابی به اهداف تربیتی و تأمین منافع کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، توجه به توانمندسازی شخصیتی والدین و مربیان ضروری است؛ زیرا مسئله بیشتر مربوط به این جنبه است تا کمبود آگاهی درباره‌ی تربیت کودک.

۲. حمایت‌های اقتصادی: ارائه‌ی خدمات رایگان یا پرداخت یارانه‌های هدفمند نسبت به خدمات تربیتی کودک مانند امکان تحصیل رایگان، پرداخت کمک‌هزینه‌ی تحصیل یا درمان.

۳. مشاوره‌ی تخصصی: دسترسی به روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی در مدارس و مراکز بهداشت و کاهش هزینه‌ی ارائه‌ی خدمات.

۴. اصلاح قوانین: نظارت مؤثر بر اجرای قوانین حمایت از کودکان مانند ممنوعیت کار کودک.

۵. توانمندسازی کودکان: تأثیر بالای سه مؤلفه‌ی مهم شخصیت، حریت و تفکر در توانمندسازی تربیتی کودکان.

لازم به ذکر است برای حلّ چالش‌های فوق در مصلحت‌سنجی برای کودکان که رویکردی تربیتی، حقوقی و اقتصادی دارند، نیازمند همکاری نهادهای خانواده، آموزش و پرورش، قضایی و مدنی است.



## نتیجه‌گیری

با عنایت به این‌که رعایت مصلحت کودک در نظام تربیتی اسلام نیازمند به ضوابطی است که در تشخیص مورد استفاده قرار گیرد؛ اما تفکیک کارکردهای مختلف آن برای شناخت بهتر از ضوابط انجام نگرفته بود. لذا با تفکیک کارکردها به اجرای مصلحت به‌مثابه قید متعلق حکم و مصلحت اجرا به‌مثابه رافع تراحمات، ضوابط مصلحت در هریک از کارکردهای فوق بررسی شد.

۱. در ضوابط اجرای مصلحت به‌مثابه قید متعلق حکم، ضوابط پایه و محتوایی ترسیم گردید. ضوابط پایه، به‌عنوان اصول شناخته‌شده و اصول شش‌گانه به‌عنوان معیارهای پایه قلمداد شدند. اصل محوریت شریعت، اصل ابتنا بر عقلانیت، اصل حق‌مداری، اصل عدالت‌محوری، اصول برپایه‌ی انسان‌شناسی و اصل کرامت انسانی. در برابر، ضوابط محتوایی که مربوط به موضوع کودک هستند، به دو قسم ضوابط نفس مصالح کودک و ضوابط عوامل مؤثر در مصالح کودک تقسیم شدند و ذیل هریک نیز موارد جزئی به‌عنوان معیارهای خرد عنوان گردیدند.

۲. در ضوابط مصلحت اجرا به‌مثابه رافع تراحمات، به قاعده‌ی عقلایی اهم و مهم اشاره شد و برای منضبط کردن آن به ملاک‌های شش‌گانه اشاره شد.

والدین و مربیان در مسیر تربیت با چالش‌های متعددی از جمله مسائل شناختی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ساختاری و رفتاری در راستای تأمین منافع کودک روبه‌رو هستند. از جمله راهکارهای اساسی برای مقابله با این چالش‌ها می‌توان به آموزش همگانی، ارائه‌ی حمایت‌های مالی، مشاوره‌های تخصصی، اصلاح قوانین موجود و افزایش توانمندی کودکان اشاره کرد.



## منابع

١. قرآن كريم
٢. ابن فارس، احمد بن فارس (١٤٠٤ق)، معجم مقائيس اللغة، قم: مكتب الاعلام الإسلامى.
٣. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق)، لسان العرب، ج سوم، بيروت: دار صادر.
٤. ازهرى، محمد بن احمد (١٤٢١ق)، تهذيب اللغة، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٥. جوادى آملی، عبدالله (١٣٨١)، صورت و سيرت انسان در قرآن، ج دوم، قم: نشر اسراء.
٦. جوهرى، اسماعيل بن حماد (١٣٧٦)، الصحاح، بيروت: دار العلم للملايين.
٧. حكيم، سيد محسن (١٤١٠ق)، منهاج الصالحين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
٨. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤١٢ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دار القلم.
٩. شريف مرتضى، على بن حسين موسوى (١٤٠٥ق)، رسائل الشرف المرتضى، ج اول، قم: دارالقرآن الكريم.
١٠. صدر، سيد محمد باقر (١٤١٨ق)، دروس فى علم الأصول، ج پنجم، قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
١١. طريحي، فخر الدين بن محمد (١٣٧٥ش)، مجمع البحرين، ج سوم، تهران: مرتضوى.
١٢. طوسى، محمد بن حسن (١٣٨٧ق)، المبسوط فى فقه الإمامية، ج سوم، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
١٣. عاملی، سيد جواد (١٤١٩ق)، مفتاح الكرامة فى شرح قواعد العلامة، ج اول، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٤. عسكرى، حسن بن عبدالله (١٤٠٠ق)، الفروق فى اللغة، بيروت: دارالافاق الجديدة.
١٥. فراهيدى، خليل بن احمد (١٤٠٩ق)، كتاب العين، ج دوم، قم: نشر هجرت.
١٦. فيومى، احمد بن محمد (١٤١٤ق)، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للزافعى، ج دوم، قم: مؤسسه دار الهجرة.
١٧. كاتوزيان، ناصر (١٣٧٤)، مقدّمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقى ايران، تهران: شركت سهامى انتشار.
١٨. كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، ج چهارم، تهران: دارالكتب الإسلامية.
١٩. مصطفىوى، حسن (١٤٣٠ق)، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، ج سوم، بيروت: دارالكتب العلمية، مركز نشر آثار علامه مصطفىوى.
٢٠. مظفر، محمدرضا (١٣٨٧)، اصول الفقه، ج پنجم، قم: بوستان كتاب.
٢١. مكارم شيرازى، ناصر (١٤٢٧ق)، دايرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام على بن ابى طالب (ع).
٢٢. نائينى، محمد حسين (١٣٧٦)، فوائد الأصول، قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٣. نجفى، محمد حسن (١٤٠٤ق)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، ج هفتم، بيروت: دار احياء التراث العربى.



## مقالات

۱. ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۲)، «ضوابط مصلحت در فقه شیعه»، سیاست متعالیه، دوره ۱، ش ۱، ص ۵۸-۲۹.
۲. بیگدلی، عطاءالله و علی اصغر فرج‌پور (۱۳۹۲)، «رهیافتی نوبه ضوابط تشخیص مصلحت، از ضابطه تا فرایند»، سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۶۰-۱۱۹.
۳. پارساپور، محمدباقر و سوسن نوربخش (۱۳۹۴)، «معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک»، حقوق اسلام و غرب، دوره ۲، ش ۳، ص ۲۷-۱.
۴. پیوندی، غلامرضا و علی زارع قراملکی (۱۴۰۲)، «ضوابط مصلحت در سه ساحت استنباط، تقنین و اجرا»، مطالعات فقه و مبانی حقوق، در صف انتشار.
۵. جاور، حسین و فاطمه منظمی (۱۳۹۸)، «جایگاه و معیار مصلحت در اشتغال اطفال»، مطالعات حقوقی معاصر، دوره ۱۰، ش ۱۹، ص ۱۰۱-۷۷.
۶. عزیزی، حسین و علی محمد فلاح‌زاده (۱۴۰۰)، «مصلحت اجتماعی در فقه امامیه؛ از مفهوم تا ضابطه»، دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰، ش ۳۲، ص ۱۰۴-۸۵.
۷. محمدی جورکویه، علی و علی زارع قراملکی (۱۴۰۳)، «جایگاه مصلحت در سه ساحت استنباط، تقنین و اجرا»، حقوق اسلامی، دوره ۲۱، ش ۸۱، ص ۹۷-۷۹.
۸. میرزایی، محمد و محسن رضایی (۱۳۹۹)، «ضوابط حاکم بر کاربرد مصلحت دینی در سیاست‌گذاری‌های جنایی»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، ش ۳۱، ص ۱۷۵-۱۴۹.

